

ما می گوئیم:

(۱) با توجه به نقل سید بحر العلوم - که نسخه مشهد را مطابق با نسخه مکه معرفی می کند و آن را مطابق با نسخه مرحوم مجلسی می داند - می توان گفت نسخه خط کوفی مطابق با نسخه علامه مجلسی (که اهل قم به همراه داشته اند) بوده است.

(۲) اما همان نسخه که در کتاب خانه سید علی خان بوده هم، انتسابش به امام رضا (ع) معلوم نیست. إلا اینکه:

(۳) به شهادت صاحب مستدرک، میرزا عبدالله اصفهانی صاحب ریاض العلماء - که دست خط امیر غیاث الدین را دیده و دست خط علمای اجازه دهنده را هم دیده - در شناخت دست خط ها خبره بوده است و اجازه دادن های امیر غیاث الدین (متوفی ۹۴۸ ه. ق) دال بر نوعی اسناد در نقل کتاب است.

(۴) اگر این مطلب صحیح باشد، کتاب قبل از علامه مجلسی هم، بین علمای شیعه سابقه داشته است و لذا فرمایش مرحوم خوانساری کامل نیست که می فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ مَنْ ذَهَبَ إِلَى ذَلِكَ - أَيْ فِي كَوْنِ الْكِتَابِ مِنْ تَأْلِيفِهِ - وَ أَصْرَفَ فِي تَرْوِيجِهِ، رَجُلٌ فَاضِلٌ مُحَدِّثٌ، كَانَ يُقَالُ لَهُ: الْقَاضِي أَمِيرُ حُسَيْنٍ، وَ هُوَ الَّذِي أَظْهَرَ أَمْرَ هَذَا الْكِتَابِ، وَ جَاءَ بِهِ مِنْ مَكَّةَ الْمَشْرِقَةِ إِلَى أَصْبَهَانَ، فِي عَصْرِ الْفَاضِلِينَ الْمَجْلِسِيِّينَ، وَ أَرَاهُمَا إِتْيَاهُ، وَ قَبْلَ ذَلِكَ لَمْ يَوْجَدْ مِنْهُ عَيْنٌ وَ لَا أَثَرٌ، بَيْنَ مُحَقِّقِي أَصْحَابِنَا.»^۱

(۵) لکن نکته حایز اهمیت آن است که آیا سال ۲۰۰ هجری قمری، خط کوفی رایج بوده است؟ تا بتوان مدعی شد که امام کتاب را به این خط نگاشته اند؟ با توجه به آنچه می توان در نقل های تاریخی یافت، می توان گفت در آن تاریخ، خط کوفی اگرچه رواج خطوط دیگر را نداشته است ولی هنوز به سر حد فراموشی نرسیده بوده است. و این فراموشی، مربوط به سالهای بعد است که این خط صرفاً به عنوان خطی تزئینی مورد استفاده واقع می شده است.

۳ علامه بحر العلوم در فوائد خود پس از اینکه از ابوالحسن علی بن عبدالله بن حسن بن حسین بن حسن

بن حسین بن علی بن بابویه قمی یاد می کند، می نویسد که این بزرگوار در کتاب رجال خود که درباره

علمای متأخر از شیخ طوسی نگاشته است، می نویسد:

السید الجلیل محمد بن أحمد بن محمد الحسینی، صاحب کتاب الرضا علیه السلام، فاضل، ثقة. کذا فی عدة نسخ مصححة من رجال المنتجب. و فی کتاب أمل الآمل، نقلاً عنه. و الظاهر أن المراد بکتاب الرضا علیه السلام هو هذا



الكتاب، و أمّا الرسالة المذهبة، المعروفة بالذهبيّة، و طبّ الرضا عليه السلام، فهي عدّة أوراق في الطبّ، صنّفها الرضا عليه السلام للمأمون و إرادتها من هذه العبارة في غاية البعد، و المراد بكونه صاحب كتاب الرضا عليه السلام، وجود نسخة الأصل عنده، أو انتهاء إجازة الكتاب إليه، لا أنّه روى هذا الكتاب عنه بلا واسطة، أو أنّه صنّفه له، فإنّه من العلماء المتأخّرين، الذين لم يدركوا أعصار الأئمّة عليهم السلام^۱

توضیح:

۱. وقتی علی بن عبدالله می نویسد «محمد بن احمد حسینی صاحب کتاب الرضا می باشد» مرادش این است که:
۲. اولاً: کتاب الرضا همان فقه الرضاست چراکه کتاب دیگری که با نام طبّ الرضا(ع) (یا الرسالة المذهبة و یا الذهبية) مطرح است صرفاً چند ورق بوده که حضرت آنها را برای مأمون نوشته است و بعید است مراد از «کتاب الرضا» آن کتاب باشد.
۳. ثانیاً: «صاحب کتاب الرضا» ظهور در آن دارد که نسخه ای از فقه الرضا پیش محمد بن احمد بوده است و یا اینکه سلسله اجازة نقل آن کتاب به محمد بن احمد می رسیده است. چراکه نمی شود گفت محمد بن احمد نویسنده آن کتاب بوده و کتاب را بی واسطه (با توجه به فاصله زمانی بین او و امام رضا(ع)) از امام رضا(ع) نقل کرده است و یا اینکه کتاب را به فرمایش حضرت نگاشته است.

ما می گوئیم:

- ۱) اولاً بعید نیست که مراد از رضا در اینجا معنی لغوی آن باشد. و «علیه السلام» بعدها توسط نسخه نویسان اضافه شده باشد.
- ۲) «صاحب کتاب الرضا» هیچ دلالتی ندارد که او مالک کتابی بوده است به نام «کتاب الرضا». بلکه چه بسا نویسنده آن کتاب باشد و به آن مشهور شده باشد.